

بقلم : آقای دکتر علی مظاهری

استاد دانشگاه پاریس

بقیه از شماره قبل

بحث استقرائی در اطراف یکی از معنیات حکیم (انوری) علیه الرحمه

و ماههای ساسانیان بعینه همان ماههای اشکانیان است لکن ساسانیان درین ماهها اندکی تصرفات کرده اند معینا اگر ماههای مزبور باماههای ترکان و ایغوران و خرخیزان و مغولان و ختائیان از یکطرف و با ماههای آرامنه و ملت (کدپدوگ) یا (کدپدوگان) قیصریه ترکیه و ماههای (آلان) و (سگزیان) و (ختنیان) و هیاطله و امم (قافکوه) و غیرهم از دیگرطرف مقایسه شود چنانکه ما کرده ایم بکلی مشت ساسانیان باز و معلوم میشود چرا مبادی این ماهها را تغییر داده اند .

(۷) (ابیورد) - محل آنرا تا عهد نادر شاه میدانستند لکن امروز باید بحدس پیدا کرد حتی خرابه آن معلوم نیست نام این شهر را که از معادن لغت دری بوده یونیان **Apaorta** ضبط کرده اند .

اشکانیان شرقی (نسا) را که پای تخت ارشک بود شهر مقدس دانستند لکن دارالملک خود را مدتی در (تمیشه) یعنی (بابل) فعلی نهادند و حکیم فردوسی درباره فریدون که یکی از ملوک اشکانی قدیم باشد گوید :

از آنجا گذر سوی تمیشه کرد
نشست اندر آن نامور بیشه کرد

(ابیورد) نیز یکی دیگر از پایتختهای ایشان بود - (اباورد) و (مرو) و چند شهر دیگر را باید منبت و معدن زبان فصیح دری دانست و اهل مرو یا (مراوزه) همگی بفصاحت مشهور جهان بوده اند چنانچه دختران آن شهر بدلبری و طننازی شهرت داشته اند - ما را درخصوص این شهرها تحقیقات بسیار فراهم آمده هرگاه فرصت شد ان شاء الله منتشر خواهیم کرد .

(د) اینک فهرست ماههای اشکانی نسبت به جاغهای ختائی که نام خود را بآن ماه داده اند و ۱۲ تا از ۲۸ تا منازل قمر که نام اسلامی هر یک از آن ستارگان بیابانی است :

ماها	جاغها	منازل قمر	ملاحظات
(۱) فروردین	موش	سعد السعود	مراد موش دریائی است که فرنگان Rat نامند (۸) .
(۲) اردیبهشت	بقر	سعد ذابح	(نسر طائر) در صده دوم قبل از میلاد .

(۸) این موش دریائی است که اصلاً ختائی است و فعلاً در سواحل (خزر) می باشد گویند در دوره منول فرنگستان را برای بار اول تسخیر کرد - وقتی در قرن اول میلادی نامهای دوازده ماه ختائیان بایران رسید لفظ فروردین را بمعنی (موش خراسانی) گرفتند که بزبان فرنگی (مانگوست) **Mangouste** گویند .

این موش خراسانی در صید کردن و خوردن مار مهارت غریبی دارد سگزیان قدیم او را در خانهای خود و باغهای خود میداشتند تا ایشانرا از شر ماران که در سیستان بسیارند حراست کند و از حیوانات مقدس سگزیان و زردشتیان بوده است . در هند نیز همین موش خراسانی را تربیت کنند از جهت صید مار کردن و جانوری است بسیار مفید و حقیقه یزدانی است در حالیکه مار اهریمنی است .

فروردین یعنی موش خراسانی در چین و هند نشانه شمال باشد و آغاز فروردین ماه اصلی از وقت نزدیکترین مقابله نیرین بود به واسطه برج دلوکه موضع ستاره (سعد - السعود) آنجاست و در آنوقت همانطور که اول فروردین مطابقه میکرد با اول سال ختائیان و اینوران اول ژانویه هم با اول فروردین مطابقه میکرد یعنی (فیصر) روم سال رومی را بتقلید سال اشکانی از وسط برج دلو آغاز کرده بود .

- (۳) خرداد پلنگ شوله مراد در حقیقت (ببر) باشد
چه پلنگ نام جاغ دیگرست.
- (۴) تیر خرگوش قلب عقرب (تشر) بروزن نشتر نام دیگر
اوست (۹).
- (۵) امرداد نهنگ سماك اعزل (ناك) بسعدی و بختئی (ناگ)
بهندوانی (۱۰).
- (۶) شهریور مار سرفه

(۹) تشر نام دری اصلی ارنب باشد و (خرگوش) بمعنی نيك هوش و تیز هوش صفت اوست که بعدها بجای اسم او نهادند و مراد ستاره‌ای است که عجم (دم عقرب) و ترکان و اینوران (قویروق) گویند - بعد ها بجای دم عقرب این نام تشر را بقلب عقرب دادند ولی مراد اصلی دم عقرب باشد اینك در بعض لغات عجم (تشر) را بمعنی بزغاله می‌گیرند.

در یکی از اوراق مانویان (طرفان) تشر را (آهوك) ترجمه کرده‌اند و البته ترجمه غلط باشد.

و اصلا تشر هم صفت بوده است بمعنی (زیرك) و در زبان اسپانیولی Diestra و در زبان فرنگی Dextre یعنی دست راست ولی در اسپانیولی Diestro یعنی زیرك و Tistar اوستا نیز بهمین معنی تواند بود چه نزدیک خنثایان خرگوش مشهورست به زیرکی چنانکه روپاه نزدیک اهل مغرب و محل ستاره (دم عقرب) در مشرق آسمان باشد که بزعم خنثایان دست چپ است و این چپ هم نشان تجاهل العارف باشد.

(۱۰) نهنگ درینجا بمعنی ازدهای خنثائی باشد که هندوان ناگ Nāga گویند و این همان ازدهاست که خنثایان روی بیرق خنثائی رسم می‌کنند فعلا تقویم های ملی ما نهنگ را که بمعنی تمساح Crocodil است خلط می‌کنند با ماهی وال - سمکة البال - و امسال در زیر نام سال نهنگ (لوی ٹیل) تصویر يك Baleine یعنی ماهی عنبر رسم کرده‌اند.

(۷) مهر اسپ جنبه
مراد جنوب آسمان باشد و
موضع او ماه (تموز) و (ژویه)
رومیان بوده است .

(۸) آبان گوسفند نثره
درشت ترستاره باشد در صورت
سرطان - و ماه (آب) رومیان
عیناً اسم (آبان) است لکن
بصورت مفرد .

(۹) آذر بوزینه هقعه
(۱۰) دی مرغ ثریا

غرض مرغیست که (هوبره)
گویند و مراد مغرب آسمان
است زیرا که در چین هوبره ها
از مغرب شمالی فراز رسند
در ماه تشرین اول یعنی از
سرد سیر بسوی گرم سیر پرند
که مشرق جنوبی چین باشد.

(۱۱) بهمن سگ شریطین

(۱۲) ارمنذ (اسفند) خوک فراغ مقدم
در حقیقت خوک را بجای خار
پشت تیر انداز نهاده اند .

درین مقاله بمناسبت معمای انوری مطالبی راجع به (آبان) بمعنی گوسفند
گفتیم و قیاس کار بدست آمد ولی تقریباً برای هر يك از سائر اسامی نیز مقاله
جدا گانه لازم خواهد بود .

محض خالی نبودن عریضه بهتر که (آبان) را تنها نگذاشته یکی دوتاد دیگر
را هم از همقطاران او توضیح دهیم .

مثلاً مراد از (جاغ) دوازدهم خوک نیست بلکه (خارپشت تیرانداز) است که بزبان طبری او را (ارمجه) یا (ارمچی) گویند بر وزن قهوه چی و این جانور بی شباهت بگراز نیست بهمین سبب فرنگان او را (خوک خاردار) پیورک اپیک نامند.

و (خوارزمیان) قدیم بشهادت استاد (ابو ریحان) که خود او خوارزمی بوده است این ماه را اسفند (ارمچی) می نامیدند و این (ارمچی) همان (ارمچی) نصاب طبری است که آقای صادق کیا نشر و شرح کرده اند - در خط قدیم آنرا

(ارمد) بذال تخذ نبشتندی با سه نقطه و این ذال مکسور تلفظ جیم عجمی داشتی و در خط پهلوی و خط ارمنی از برای او حرفی دارند جدا گانه .

مثال سوم (دی) ماه را بخط پهلوی (ططو) نبشتندی و صاحب (برهان) در مورد (طیطو) گوید (بروزن تیهو و (طیتو) - و این ضبط دیگر همانست - نوعی از مرغان آب) .

و در یکی از حکایات کلیله و دمنه عربی (ابن المقفع) عین اسم پهلوی مرغی را بنام (طیطوی) ذکر میکند و فقیر در هیچ کجا شرح آنرا ندیدم از فحوای حکایت معلوم میشود که مرغیست که در کرانه آب زندگی میکند و ظاهراً همان (طیطو) یا (طیطوی) برهان باشد. (۱۱)

(۱۱) قال دمنه زعموا ان طائراً من طیور البحر يقال له الطیطوی كان وطنه علی ساحل البحر الخ (ابن المقفع) .

دمنه گفت آورده اند که نوعیست از مرغان آب که طیطوی گویند يك جفت از آن در ساحل بودند (ابوالمعالی) درین افسانه مراد از بحر آب شیرین است و مراد از (وکیل البحر) یا (وکیل دریا) فرشته موکل آب شیرین [آخر باب الاسد والثور] سپس جفت طیطوی می آغازد داستان بطان را با سنگ پشت - و سیمرخ ترجمه (المنقا) ست او حکم می کند تا (وکیل دریا) بجگان طیطوی را بازپس دهد .

خلاصه اینکه بجگان طیطوی در خطر غرق شدن هستند اگر طیطوی از مرغان آب بقیه حاشیه در صفحه بعد

(برهان) مرغی را دیگر می‌شناسد مسمی به (طوطك) برونز خوبك و گوید

مرغیست مشهور بطوطی !

و منوچهری گوید :

تو تو يك پیکي نامه نبرده برسر خویش

نامه گسه باز کند گسه شکند بر شکنا

و مراد از (مرغ) در اسامی دوازده ماه ختائی نوعیست از قرقاول ختائی

که دنبال درازی دارد و به (تدریو) یا (خروس کابلی) بی شباهت نیست و طوطو

تقلید صوت او باشد آنرا در خط پهلوی (ططو) یا (ددو) نبشته‌اند که فعلا به

صورت (دی) درآمده است شاید که (تیمهو) همان نام باشد .

آن مرغ چینی دم زیبایی دارد نظیر دم قرقاول نر یا دم طاوس نر که چتر

نزده باشد و شاید باین سبب خوشه درخشان (ثریا) را بدم او تشبیه کرده‌اند -

بهر حال مرغی است وحشی بجمله كبك یا قرقاول .

مطالبی که زردشتیان و خاورشناسان در توجیه این دوازده ماه گفته‌اند البته

ما نیز آنرا خوانده و شنیده‌ایم لکن ما مطالبی را خوانده و تحقیق کرده ایم که

هرگز ایشان و آنان نخوانده‌اند و تحقیق نکرده‌اند و ما اسنادی را دیده‌ایم که

هرگز بنظر ایشان نرسیده - ان شاء الله بمرور خواهیم گفت و هر گاه فرصت دست

داد از نظر خوانندگان محترم (ارمغان) خواهیم گذرانید - و من الله التوفیق .

پایان

بقیه حاشیه از صفحه قبل

بودی امکان نداشتی که بچکان او در آب غرق شوند - (سنائی) علیه الرحمه در

(حدیقه) فرماید :

بچه بط اگر چه دینه بود آب دریاش تا بسینه بود

پس ثابت شد که ابن المقفع و بتبع او (ابوالمعالی) در اشتباه افتاده‌اند و (طیطوی)

فقط از مرغان ساحل است نه از مرغان آب و گر نه از مد بحریا (وکیل البحر) نیندیشیدی -

بط را ز طوقان چه باك ؟